

تحلیل استنادی مقالات فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی

مرتضی محمدی استانی*

داود اصغری‌پور مهربانی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت مقاله‌های فصلنامه «روش‌شناسی علوم انسانی» است. روش تحقیق، تحلیل استنادی است. یافته‌ها نشان داد که در نوزده شماره این فصلنامه، تعداد ۱۳۵ مقاله منتشر شده است. ۳۸ عنوان مقاله به صورت گروهی و بقیه انفرادی است. مجموع کل استنادات ۳۱۰۴، و میانگین استنادات برای هر مقاله و هر شماره به ترتیب ۲۲/۹۹ و ۱۶۳/۴ است. کتاب‌ها با ۱۸۷۷ استناد، و منابع انگلیسی زبان با ۱۷۶۶ استناد بالاتر از سایر منابع قرار گرفته‌اند. میزان خوداستنادی ۱۳۲ مورد است. پراستنادترین نویسنده و مترجم به ترتیب علی پایا و عبدالکریم سروش با ۲۲ و ۲۵ استناد است. پراستنادترین کتاب فارسی و لاتین، تبیین در علوم اجتماعی و The structure of scientific revolutions با ۱۳ و ۱۰ استناد است. پراستنادترین مجله فارسی و انگلیسی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی و Philosophy of science با ۳۰ و ۱۳ استناد است. میانگین نیم‌عمر منابع فارسی ۹ سال و ۶ ماه، و منابع لاتین ۱۶ سال و ۱۱ ماه است.

واژگان کلیدی: استناد، تحلیل استنادی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، نیم‌عمر

E-mail: Morteza_mohamamadi64@yahoo.com

*کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

**دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-Mail: d_as1356@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۹ تاریخ تأیید: ۹۰/۶/۲۶

مقدمه

مجلات به دلیل ویژگی‌های خاص خود، بیشتر از دیگر منابع اطلاعاتی مورد توجه محققان و پژوهشگران واقع می‌شوند. مقاله‌های منتشر شده در مجلات به دلیل تازگی، کوتاهی مطالب، سرعت انتقال، ارزان بودن، دسترسی آسان، معرفی آخرین پژوهش‌ها، انتقادات و بررسی اهل فن، تنوع مطالب و شکل ارائه و گاه زبان و بیان آسان، به طور معمول برای پژوهشگران جذابیت بیشتری دارد و از نظر پژوهش نیز نسبت به کتاب‌های علمی کاربرد بیشتری دارند (سلطانی، ۱۳۷۷). از دیدگاه زایمن^۱، به طور کلی مقاله علمی به تنهایی وجود ندارد، بلکه ساخته و پرداخته متون آن موضوع است (زایمن، ۱۹۶۸). گارفیلد^۲ بر این باور است که هر جمله یک مقاله که به بررسی متون می‌پردازد، با یک استناد حمایت می‌شود. استنادها موضوع جالبی برای مطالعه هستند؛ زیرا هم به آسانی در دسترس قرار دارند و هم به اعتبار داده‌ها آسیبی نمی‌رسانند و برخلاف دستیابی به داده‌ها از راه مصاحبه و پرسشنامه، استنادها معیارهای مزاحمی نیستند و نیازی به همکاری پاسخ‌دهنده ندارند و پاسخ را لوٹ نمی‌کنند، یعنی عکس‌العمل از خود نشان نمی‌دهند (عصاره، ۱۳۷۶).

ساندیسون^۳ (۱۹۸۹) معتقد است استناد مجموعه‌ای از اطلاعات کتابشناختی در پایان مقاله به عنوان یادداشت‌های آخر، پانویس‌ها و غیره یا داده‌های بیرون‌کشیده از نمایه استنادی نیست. اسمیت^۴ به انواع دلایلی که ممکن است مدرکی مورد استناد واقع شود اشاره کرده است و آنها را به شرح ذیل می‌شمارد:

۱. تجلیل از متقدمان؛
۲. اعتبار بخشیدن به اثر مرتبط؛
۳. معرفی روش‌شناسی و ابزارهای علمی مورد استفاده؛
۴. فراهم آوردن پیشینه برای مطالعات بیشتر؛
۵. تصحیح اثر خود؛
۶. تصحیح آثار دیگران؛
۷. نقد آثار قبلی؛

1. Ziman
2. Garfield
3. Sandison
4. Smith

۸. اثبات ادعاها؛
 ۹. آگاهی دادن نسبت به آثاری که به زودی منتشر خواهد شد؛
 ۱۰. مشخص کردن مدارک اصلی و مهم یک حوزه؛
 ۱۱. تهیه داده‌های واقعی و دسته‌های حقائق فیزیکی ثابت و غیره؛
 ۱۲. معرفی انتشارات بنیادی در مورد اندیشه یا مفهوم مورد بحث؛
 ۱۳. معرفی انتشارات بنیادی و یا آثار با نام نویسنده؛
 ۱۴. ردّ آثار و یا اندیشه‌های دیگران (ادعاهای منفی)؛
 ۱۵. ردّ ادعاها حقّ تقدم در آثار دیگران (تجلیل منفی).
- هر چند این موارد، دلایل عمده‌ای است که نویسنده هر مقاله به استناد روی می‌آورد، اما با بررسی‌های بیشتر، دلایلی زیادی را می‌توان به آن افزود.
- از شیوه مورد استفاده در پژوهش‌های استنادی، کتاب‌سنجی^۱ است. کتاب‌سنجی، یک رشته و زمینه علمی و مطالعاتی است که پیوسته در حال تغییر و تحول است و قوانین مهم و قابل توجهی دارد. فیرتورن کتاب‌سنجی را «روش کمی برخورد با صفات و کیفیات مقالات مدون و رفتارهای مربوط به آن» می‌داند (کومار، ۱۳۸۱، ص ۳۷۹-۳۸۰).
- همچنین دیوداتو^۲ کتاب‌سنجی را مطالعه الگوهای انتشاراتی و ارتباطی در توزیع اطلاعات، با به‌کارگیری ریاضیات و روش‌های آماری، از شمارش تا محاسبات توصیف می‌کند (عصاره، ۱۳۷۶، ص ۹۱).
- تحلیل استنادی یکی از فنون متداول در کتاب‌سنجی است. هدف اصلی تحلیل استنادی، ارزشیابی و تفسیر استنادهای مقالات نویسندگان، سازمان‌ها و دیگر جوامعی است که به فعالیت‌های علمی می‌پردازند. همچنین تحلیل استنادی همچون ابزاری برای اندازه‌گیری حلقه‌های ارتباط در جامعه‌شناسی علم مورد استفاده قرار می‌گیرد (کومار، ۱۳۸۱، ص ۳۸۳).
- اگر چه براساس نظرات مختلف، تحلیل استنادی در سال ۱۸۴۸ و یا به قولی در سال ۱۹۲۷ مورد استفاده واقع شده است، اما به گواه تاریخ این روش، حاصل نمایه‌های استنادی است که در دهه شصت (قرن بیستم) از سوی مؤسسه اطلاعات علمی^۳ بنیان

1. Bibliometrics

2. Diodato

3. Institute for scientific information

گذاشته شده است (عصاره، ۱۳۷۶؛ چاوشی نجف‌آبادی و شعبانی، ۱۳۸۸). نمایه‌های استنادی شامل نمایه استنادی علوم، نمایه استنادی علوم اجتماعی و نمایه استنادی علوم انسانی و هنر است که به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۱، ۱۹۶۶ و ۱۹۷۶ به وجود آمده‌اند. البته لازم به ذکر است که برخی پیشینه استناد یا اسناد را در قرن‌های اولیه قمری و در علم‌الحدیث جستجو می‌کنند. در حدیث، اسناد به زنجیره ناقلان (سلسله سند)، عنصر اساسی تشخیص صحت و اعتبار حدیث بوده است. دو اصطلاح سند و متن در علم الحدیث کاملاً شناخته شده است. سند را «آنچه مورد اسناد قرار گرفته» (یا ناقلان) و متن را «بیان آخرین راوی» تعریف کرده‌اند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

تحلیل استنادی کاربردهای بسیاری دارد و از سال ۱۹۶۳ استفاده‌های گوناگونی از آن شده است، که پژوهشگران را در مواردی عمده، همچون بهبود کنترل کتابشناختی متون رشته‌های مختلف، تعیین منابع هسته، گروه‌بندی منابع، پیش‌بینی روند انتشارات، تبیین الگوی استفاده از انواع منابع در فهرست منابع و مآخذ و سیاست‌گذاری برای مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، کشف گرایش نویسندگان مقالات در استفاده از منابع متفاوت اطلاعاتی (کتاب، مقاله، پایان‌نامه و غیره)، تعیین میزان روزآمدی منابع مورد استفاده در آثار نویسندگان و مشخص کردن مجلات، کتاب‌ها و نویسندگان پراستناد یاری می‌کنند (عبدالمجید، ۱۳۸۶؛ چاوشی نجف‌آبادی و شعبانی، ۱۳۸۸).

بیان مسئله

فصلنامه حوزه و دانشگاه از شماره ۴۷ با مدیریت گروه «فلسفه علوم انسانی» پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با موضوع و عنوان تخصصی «روش‌شناسی علوم انسانی» منتشر می‌شود. این مجله همسو با برنامه استراتژیک پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مبنی بر ارائه رویکردی اسلامی به علوم انسانی و اجتماعی، سیاست جدیدی را در زمینه گسترش و تعمیق مباحث فلسفی و روش‌شناختی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و تمهید و بسترسازی تولید علوم انسانی اسلامی در جهت نیازهای بومی کشور در پیش گرفته است. این فصلنامه که اکنون با عنوان روش‌شناسی علوم انسانی منتشر می‌شود، از شماره ۵۰ موفق به دریافت رتبه علمی-پژوهشی شده است و با درک لزوم تحول در

مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی علوم به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی، به منظور نظریه‌پردازی بر پایه آموزه‌ها و حقایق مطرح در دین و نیز نیازهای بومی، به مباحث «روش‌شناسی علوم انسانی و اجتماعی»، «فلسفه علوم انسانی و اجتماعی» و «علم دینی و بومی» پرداخته است.

مقالات علمی از منابع رسمی تبادل اطلاعات در جامعه علمی و دانشگاهی است. پژوهش حاضر، استنادهای مقالات منتشر شده از شماره ۴۷ (به علت تخصصی شدن فصلنامه از این شماره) تا شماره ۶۶ فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی را تحلیل کرده است، تا به این وسیله الگوی رفتار علمی نویسندگان مقالات، روابط موجود میان متن مقالات و مآخذ و گرایش نویسندگان در استفاده از منابع اطلاعاتی را بررسی کند. با توجه به اینکه تحلیل استنادی مقالات از روش‌های علمی و معتبر برای ارزشیابی مقالات یک نشریه است و نتایج و یافته‌های آن می‌تواند دست‌اندرکاران این فصلنامه را برای حفظ درجه علمی- پژوهشی و تدوین شیوه‌نامه‌های استاندارد برای تدوین مقالات یاری کند.

اهداف کلی پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی از شماره ۴۷ تا ۶۶ است.

همچنین به منظور دستیابی به هدف کلی پژوهش، اهداف فرعی ذیل مدنظر است:

۱. تعیین تعداد کل انواع مطالب اطلاعاتی منتشر شده و پرکارترین نویسنده؛
۲. تعیین تعداد کل استنادها و میانگین استنادها در هر مقاله و شماره؛
۳. تعیین میزان استناد به منابع اطلاعاتی به تفکیک زبان؛
۴. تعیین میزان ترجمه/تألیف و گروهی/فردی استنادات کتاب‌ها و مجلات؛
۵. تعیین میزان خود استنادی؛
۶. تعیین پراستنادترین نویسنده و مترجم؛
۷. تعیین پراستنادترین کتاب‌ها؛
۸. تعیین پراستنادترین مجلات؛
۹. تعیین نیم عمر منابع اطلاعاتی.

پرسش‌های اصلی

پژوهش حاضر بر اساس هدف کلی خود، دارای پرسش‌های ذیل است:

۱. توزیع انواع منابع اطلاعاتی منتشره و پرکارترین نویسنده چگونه است؟
۲. تعداد کل استنادات مقالات و میانگین استنادات به ازای هر مقاله و شماره چگونه است؟
۳. میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و تفکیک زبانی آنها چگونه است؟
۴. میزان مقالات استناد شده به کتب و مجلات بر اساس ترجمه/تألیفی و فردی/گروهی چگونه است؟
۵. میزان خوداستنادی نویسندگان چگونه است؟
۶. پراستنادترین نویسندگان و مترجمان کدام‌اند؟
۷. پراستنادترین کتاب‌ها کدام‌اند؟
۸. پراستنادترین مجلات کدام‌اند؟
۹. نیم عمر منابع اطلاعاتی چقدر است؟

روش و جامعه پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است که با استفاده از روش تحلیل استنادی تمام مقالات منتشر شده در نوزده شماره از فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی را تجزیه و تحلیل نموده و سپس با توجه به اهداف و پرسش‌های مطرح شده، استنادات موجود با استفاده از نرم‌افزار اکسل تجزیه و تحلیل گردیده است. همچنین در پژوهش حاضر با توجه به اینکه مواردی از مطالب، مانند نقد کتاب نیز دارای استناد بوده‌اند، جزء استنادها لحاظ شده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی

تحلیل استنادی (تعریف مفهومی): یکی از روش‌های کتاب‌سنجی است، که به ارزیابی متون علمی بر اساس شمارش استندهای تعلق گرفته به آن متون می‌پردازد (سلطانی و راستین، ۱۳۸۱؛ چاوشی نجف‌آبادی و شعبانی، ۱۳۸۸)

تحلیل استنادی (تعریف عملیاتی): منظور از تحلیل استنادی در پژوهش حاضر،

شمارش و تحلیل مآخذی است که نویسندگان در پایان هر مقاله با عنوان منابع و مآخذ به عنوان منبع تألیف اثر معرفی کرده‌اند.

استناد (تعریف مفهومی): ارجاع به اثری که از آن عبارتی نقل شده است، یا ارجاع به اثری در یک منبع موثق به منظور اثبات صحت یک مطلب و نظر (همان).

استناد (تعریف عملیاتی): منظور مدخل‌هایی است که در پایان مقاله، با عنوان منابع و مآخذ آورده شده است.

نیم عمر (تعریف مفهومی): محاسبه ارزش مدرکی معین با کم کردن سال نشر آن از میانه سال‌های نشر مدارکی که در آنها به آن مدرک استناد شده است (کینن، ۱۳۷۸).

نیم عمر (تعریف عملیاتی): منظور محاسبه میزان زمانی است که تعداد استنادهای صورت گرفته به یک منبع اطلاعاتی به نصف برسد. بنابراین، هر چه نیم عمر منابع اطلاعاتی بالاتر باشد نشان از ماندگاری و تأثیرگذاری بیشتر این منبع در حوزه موضوعی خود است.

محدودیت‌های پژوهش

- کامل نبودن اطلاعات کتابشناختی منابع؛
- وارد شدن نام نویسندگان به صورت‌های مختلف و عدم مستندسازی آنها با ابزارهای استاندارد (مثل مستند مشاهیر و مؤلفان)؛
- رعایت نکردن اصول نگارش اطلاعات کتاب‌شناختی منابع از سوی برخی نویسندگان؛
- درج عناوین منابع به شکل‌های مختلف؛
- استناد به بخش‌هایی از کتاب‌ها و اشاره نکردن به اصل کتاب.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه در زمینه تحلیل استنادی در داخل و خارج از ایران پژوهش‌های بسیاری انجام شده است، در این بخش، تنها به چند مورد که مشابهتی با پژوهش حاضر داشته‌اند، اشاره می‌شود:

تیمورخانی (۱۳۸۱) به بررسی استنادی مقالات تألیفی فصلنامه کتاب پرداخته است.

نتایج نشان داد که در ۱۹۸ مقاله، ۱۷۳۰ استناد استفاده شده است که بالاترین میزان استناد مربوط به کتاب‌ها با ۴۸/۶۱ درصد است. ۵۰ درصد از استنادها به منابع انگلیسی زبان است. کتاب‌ها با ۷ سال و ۱۱ ماه، بالاترین و منابع الکترونیکی با سه ماه، پایین‌ترین میانگین نیم عمر را دارند.

کیانمهر (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان تحلیل استنادی مقالات منتشر شده در مجلات کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۳۷۵-۱۳۸۲) به این نتیجه رسید که به ۶۵۹ مقاله، ۷۰۷۳ بار استناد شده و تعداد متوسط استنادها ۱۰/۷۳ است. بالاترین استناد مربوط به کتاب‌ها (۴۸/۴۳ درصد) و ۵۴/۷۵ درصد از استنادها به زبان فارسی است. کتاب‌ها با ۷ سال و ۸ ماه بالاترین و منابع الکترونیکی با ۱ سال و ۳ ماه پایین‌ترین میانگین نیم عمر را دارند.

جوکار و دیگران (۱۳۸۷) به بررسی استنادی مقاله‌های تألیفی مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز در فاصله زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۵ پرداختند و دریافتند که از مجموع ۲۲۱ مقاله با ۵۲۴۰ استناد، بالاترین استنادها از جنبه زبانی و نوع مدرک، به ترتیب مربوط به زبان انگلیسی (۵۵ درصد) و کتاب (۵۷/۲ درصد) است. نتایج این تحقیق نشان داد که بالاترین نیم عمر به کتاب‌های عربی در زمینه موضوعی زبان و ادبیات فارسی با ۲۳ سال و ۸ ماه، و پایین‌ترین نیم عمر مربوط به نشریات فارسی حوزه حقوق با ۳ سال و ۳ ماه تعلق دارد. مطالعه تطبیقی بین نیم عمر منابع فارسی و انگلیسی نشان داد که منابع فارسی نسبت به منابع انگلیسی به طور روزآمدتر مورد استفاده قرار گرفته است.

دادگر و دیگران (۱۳۸۸) با تحلیل استنادی مقالات ۳۰ شماره از فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی منتشره بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۷ دریافتند که در ۳۰ شماره این مجله، ۱۸۰ مقاله تألیفی و ترجمه‌ای به چاپ رسیده است که میانگین شش مقاله برای هر شماره به دست آمد. از ۱۶۴ نفر نویسنده مقالات تألیفی، ۱۵۴ نفر مرد و ۱۰ نفر زن بودند. از بین مقالات، تنها هفت عنوان مقاله حاصل کار گروهی بود. بیشتر نویسندگان مقالات عضو هیئت عملی بودند و ۲۷ نفر از نویسندگان عضو هیئت علمی نبودند. یافته‌ها نشان داد که در بین کتاب‌ها قرآن کریم و در بین نویسندگان ملاصدرا شیوازی بیشترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند. برابر یافته‌های پژوهش در بین محمل‌های

اطلاعاتی، کتاب‌ها بیشتر از دیگر منابع اطلاعاتی مورد استناد قرار گرفته‌اند. همچنین علاوه بر موضوع فلسفه بیشترین موضوعات مورد استناد، حدیث، تفسیر و فقه بوده است. منابع عربی با ۱۳۵۹ استناد، بالاتر از منابع فارسی و انگلیسی قرار گرفت.

همایی و محمدی استانی (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل استنادی تمام شماره‌های مجله پژوهش و حوزه پرداختند. نتایج نشان داد که در ۳۶ شماره این مجله، ۱۹۱ مقاله تألیفی و ترجمه‌ای منتشر شده است که شماره ۲۳-۲۴ با انتشار ۲۲ مقاله بیشترین و شماره ۴ بدون ارائه مقاله و داشتن گزارش و نقد، کمترین تعداد مقاله منتشرشده را داشته‌اند. تعداد مقاله‌های گروهی ۸ مقاله (۴/۲ درصد) است. مجموع کل استنادها ۳۳۴۱ استناد و میانگین تعداد استنادها برای هر مقاله و شماره به ترتیب ۱۷/۵ و ۵ استناد است. طبق یافته‌های پژوهش در بین منابع اطلاعاتی، کتاب‌ها با ۲۹۸۶ (۸۹/۳۷ درصد) استناد بیشتر از دیگر منابع اطلاعاتی مورد استناد قرار گرفته‌اند. همچنین منابع فارسی با ۱۵۶۷ (۴۶/۹ درصد) استناد بالاتر از منابع عربی و لاتین بودند. پراستنادترین نویسندگان به ترتیب محمدباقر مجلسی، حرعاملی، امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی، و محمدبن حسن طوسی است. پراستنادترین کتاب‌ها به ترتیب قرآن کریم، بحار الانوار، اصول کافی، نهج البلاغه و وسائل الشیعه است.

کاشکوفسکی^۱ و دیگران (۲۰۰۳) در تحقیقی به تحلیل استنادی ۶۲۹ عنوان از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری ارائه‌شده به دانشگاه ایالت لویا^۲ بین سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳ پرداختند. محققان بعد از بررسی ۴۶۷۴۲ استناد به این نتیجه رسیدند که مجلات و تک‌نگاشت‌ها با ۶۳/۶ و ۲۳/۷ درصد در صدر منابع مورد استناد قرار داشتند. ۸۵ درصد از منابع مورد استناد در کتابخانه‌های دانشگاه موجود بودند؛ ۱۲/۳ درصد میانگین نیم عمر منابع مورد استناد تعیین شد که در بین گروه‌های مختلف متفاوت بود. ساموئل و اشتاین بارت^۳ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان نشریه سیستم‌های اطلاعاتی: بررسی ۱۵ سال اول، به تحلیل محتوای ۱۵۹ مقاله، تحلیل استنادی مآخذ آنها و تعیین ضریب تأثیر در این نشریه پرداختند. در بخش تحلیل استنادی مجموع ۳۷۰۴ استناد را که در این نشریه به دیگر نشریات شده است، محاسبه گردید. متوسط استناد برای هر

1. Kushkowski
2. Iowa
3. Samuel and Steinbart

مقاله ۲۳/۲۹ استناد است، که نشریه بررسی‌های حسابداری^۱ دارای بیشترین استناد (۷/۸) در این مجله است. پربسامدترین مقالات استناد شده نیز تعیین شد که بیشترین استناد به یک مقاله خاص با ۲۱ استناد بوده است. پربسامدترین مجلات که در نشریه مورد استناد قرار گرفته‌اند، تعیین شد و عناوین مقالات نشریه سیستم‌های اطلاعاتی که در نمایه استنادی علوم اجتماعی بیش از پنج بار استناد داده است مشخص شد، که بیشترین آنها دارای سیزده استناد است.

با بررسی متون در زمینه تحلیل استنادی مشخص شد که در ایران مطالعات زیادی صورت گرفته است. بنابراین با توجه به مزایای حاصل از تحلیل استنادی در تحلیل رفتار اطلاعاتی، شناسایی منابع و نویسندگان هسته و ارزیابی مجلات، نگارندگان اقدام به تحلیل استنادی فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی که در بین مجلات حوزوی و دانشگاهی جایگاه ممتازی دارد، کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل پرسش‌ها و پاسخ به آنها پرداخته شده است.

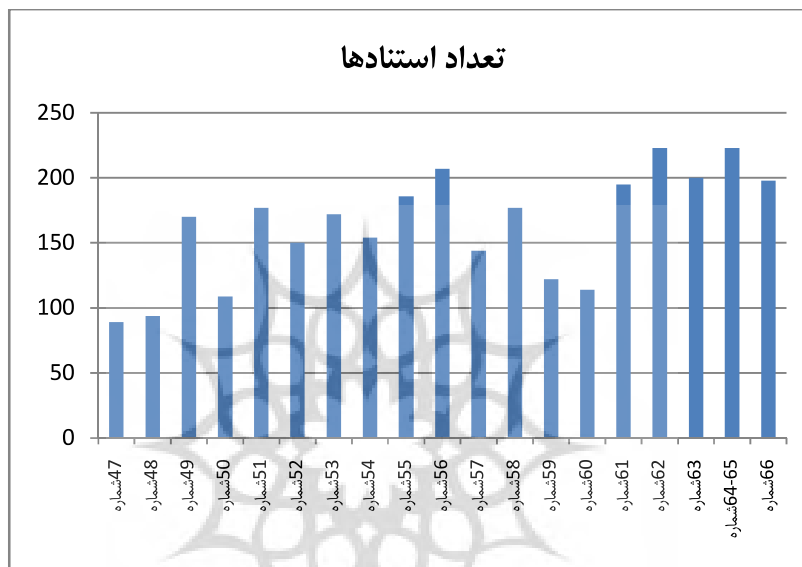
سؤال اول: توزیع انواع منابع اطلاعاتی منتشره و پرکارترین نویسنده چگونه است؟

با بررسی شماره‌های ۴۷-۶۶ نشریه روش‌شناسی علوم انسانی مشخص شد: تعداد ۱۳۸ مطلب (شامل ۱۳۵ مقاله، ۱ کتابشناسی، ۱ گزارش و ۱ نقد کتاب) در ۱۹ شماره به چاپ رسیده است. در بین مقالات نیز ۳ مقاله بدون استناد و ۳ مقاله ترجمه‌ای است. ۳۸ مقاله (۲۸/۱۵ درصد) به صورت گروهی و ۹۷ مقاله (۷۱/۸۵ درصد) فردی ارائه شده است. ۱۸۰ نفر از نویسندگان (۹۴/۷ درصد) مرد و ۲۵ نفر (۵/۳ درصد) زن بودند. همچنین در ۱۳۵ مقاله ارائه شده، محمدتقی ایمان با هفت مقاله و حسن دانایی‌فرد با پنج مقاله پرکارترین نویسنده شناخته شدند.

سؤال دوم: تعداد کل استنادهای مقالات و میانگین استنادها به ازای هر مقاله و شماره چگونه است؟

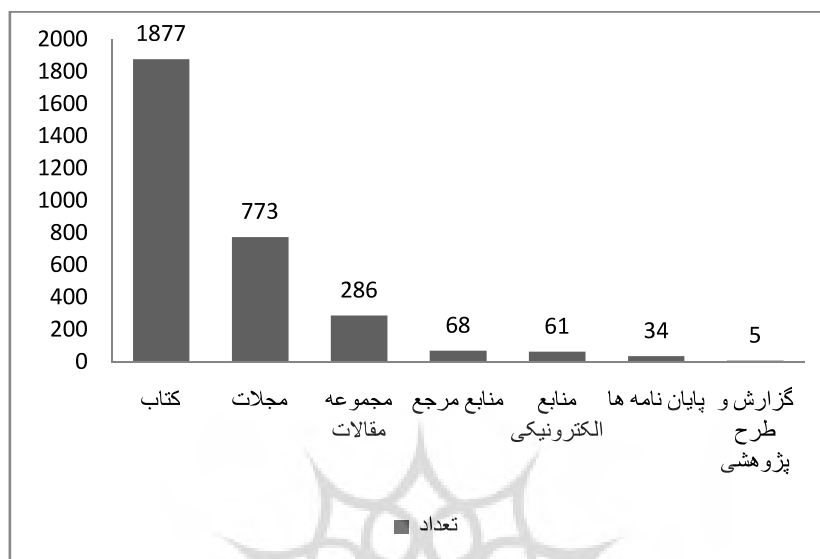
با بررسی ۱۹ شماره از نشریه روش‌شناسی علوم انسانی مشخص شد، که تعداد کل استنادات ۳۱۰۴ مورد است. همچنین میانگین استناد برای هر مقاله ۲۲/۹۹، و هر شماره

۱۶۳/۴ استناد است. نمودار ۱ فراوانی تعداد استنادات هر شماره از فصلنامه را به تفکیک نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که شماره‌های ۶۴-۶۵ و ۶۲ با ۲۲۳ استناد و شماره ۴۷ با ۸۹ استناد دارای بیشترین و کمترین استناد هستند.



نمودار ۱: توزیع تعداد استنادها به تفکیک هر شماره

سؤال سوم: میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و توزیع زبانی آنها چگونه است؟
 بر اساس داده‌ها و نمودار ۲، کتاب‌ها در بین منابع اطلاعاتی با ۱۸۷۷ استناد (۶۰/۵ درصد) بالاترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند. مجلات با ۷۷۳ استناد (۲۴/۹۶ درصد)، رتبه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مجموعه مقالات، منابع مرجع، منابع الکترونیکی، پایان‌نامه‌ها، گزارش و طرح پژوهشی به ترتیب با ۲۸۶ (۹/۲۲ درصد)، ۶۸ (۲/۲ درصد)، ۶۱ (۲ درصد)، ۳۴ (۱/۱ درصد)، ۵ (۰/۲ درصد) استناد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.



نمودار ۲: توزیع منابع اطلاعاتی

بر اساس داده‌های جدول ۱، از مجموع ۳۱۰۴ استناد، ۱۷۶۶ استناد (۵۶/۹ درصد) به زبان انگلیسی، ۱۲۰۵ استناد (۳۸/۸۲ درصد) به زبان فارسی، ۸۸ استناد (۲/۸۳ درصد) به زبان عربی، و ۴۵ استناد (۱/۴۵ درصد) به زبان‌های دیگر (فرانسه و آلمانی) است، که نشان‌دهندهٔ مراجعه بیشتر به منابع انگلیسی در مقالات این فصلنامه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: فراوانی انواع منابع و تعداد استناد به آنها

نوع منبع	زبان	فارسی	انگلیسی	عربی	سایر زبان‌ها	جمع کل	
						فراوانی	درصد
کتاب	۹۰۲	۸۶۲	۸۰	۳۳	۱۸۷۷	۶۰/۵٪	
مجلات	۱۹۹	۵۶۰	۷	۷	۷۷۳	۲۴/۹۶٪	
مجموعه مقالات	۵۲	۲۲۹	-	۵	۲۸۶	۹/۲۲٪	
منابع مرجع	۵	۶۲	۱	-	۶۸	۲/۲٪	
منابع الکترونیکی	۹	۵۲	-	-	۶۱	۲٪	
پایان‌نامه‌ها	۳۳	۱	-	-	۳۴	۱/۱٪	
گزارش و طرح پژوهشی	۵	-	-	-	۵	۰/۲٪	
جمع کل	۱۲۰۵	۱۷۶۶	۸۸	۴۵	۳۱۰۴	-	
درصد	۳۸/۸۲٪	۵۶/۹٪	۲/۸۳٪	۱/۴۵٪	-	۱۰۰	

سؤال چهارم: میزان مقالات استناد شده کتب و مجلات بر اساس فردی/گروهی و ترجمه/تألیفی چگونه است؟

با تجزیه و تحلیل مقالات استناد شده مشخص شد که در میان کتب استناد شده، ۱۵۷۲ استناد (۸۳/۷۵ درصد) به صورت فردی و ۳۰۵ استناد (۱۶/۲۵ درصد) گروهی است. همچنین در میان مجلات استناد شده، ۶۱۶ استناد (۷۹/۷ درصد) به صورت فردی و ۱۵۷ استناد (۲۰/۳ درصد) گروهی است. ۱۳۰۴ استناد (۶۹/۵ درصد) از کتب تألیفی و ۵۷۳ استناد (۳۰/۵ درصد) ترجمه بود. همین طور در مورد مجلات نیز ۷۳۸ استناد (۹۵/۵ درصد) از مقالات تألیفی و ۳۵ استناد (۴/۵ درصد) ترجمه بود.

سؤال پنجم: میزان خوداستنادی نویسندگان چگونه است؟

بر اساس داده‌ها، در مجموع تعداد ۱۳۲ مورد خوداستنادی مشاهده شد. شماره ۴۹ با ۱۸ مورد بیشترین میزان خوداستنادی و شماره ۴۸ با ۱ مورد، کمترین میزان خود

استنادی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین میزان خوداستنادی به ازای هر مقاله تقریباً ۱ استناد (۰/۹۸) مورد است.

سؤال ششم: پراستنادترین نویسندگان و مترجمان کدام‌اند؟

با توجه به جدول ۲، پراستنادترین نویسنده علی پایا با ۲۲ استناد و پراستنادترین مترجم، عبدالکریم سروش با ۲۵ استناد است. جدول ۲ اسامی پراستنادترین نویسندگان و مترجمان منابع فارسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: پراستنادترین نویسندگان و مترجمان منابع فارسی

ردیف	پدیدآور	تعداد	مترجمان	تعداد
۱	پایا، علی	۲۲	سروش، عبدالکریم	۲۵
۲	مطهری، مرتضی	۱۹	اعرابی، محمد	۱۳
۳	پوپر، کارل ریموند	۱۸	ثلاثی، محسن	۱۲
۴	الوانی، مهدی	۱۴	فولادوند، عزت‌الله	۱۱
۵	احمدی، بابک	۱۳	آرام، احمد	۱۰
۶	لطف‌آبادی، حسین	۱۳	بشیریه، حسین	۱۰
۷	لیتل، دانیل	۱۳	زیباکلام، سعید	۱۰
۸	ابن سینا	۱۱	شریفی، حسن یاشا	۱۰
۹	جوادی‌آملی، عبدالله	۱۱	کاردان، علی محمد	۱۰
۱۰	سروش، عبدالکریم	۱۱	پارسائیان، علی	۹

همچنین پراستنادترین نویسنده در میان منابع لاتین، Y. S. Lincoln با ۱۸ استناد است. نویسندگان دیگر در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: پراستنادترین نویسندگان منابع لاتین

ردیف	پدیدآور	تعداد
۱	Y.S. Lincoln	۱۸
۲	J.W. Creswell	۱۷
۳	R.H. Coase	۱۶
۴	K.R. Poper	۱۴
۵	G.J. Feist	۱۱
۶	T. S. Kuhn	۱۱

سوال هفتم: پراستنادترین منابع کدام‌اند؟

بر اساس جدول ۴، پراستنادترین منابع در استنادات موجود در میان منابع فارسی کتاب تبیین در علوم/اجتماعی با ۱۳ استناد است، دیگر منابع در جدول ۴ درج است.

جدول ۴: پراستنادترین کتب فارسی

ردیف	عنوان کتاب	تعداد
۱	تبیین در علوم اجتماعی (لیتل)	۱۳
۲	چیستی علم (چالمرز)	۹
۳	روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (گال و همکاران)	۸
۴	ساختار انقلاب‌های علمی (کوهن)	۷
۵	خرد مینوی در روش‌شناسی علمی (لطف‌آبادی)	۶
۶	درآمدی تاریخ به فلسفه علم (لازی)	۶
۷	روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (سرمد و همکاران)	۶
۸	فلسفه علوم اجتماعی (راین)	۶
۹	کند و کاوها و پنداشتها (رفیع پور)	۶
۱۰	مبانی پژوهش در علوم رفتاری (کرلینجر)	۶
۱۱	مجموعه آثار شهید مطهری	۶

بر اساس جدول ۵ در بین منابع لاتین، کتاب *The structure of scientific revolutions* با ۱۰ استناد بیشترین استناد را داشته است، دیگر کتب در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: پرستنادترین کتب لاتین

ردیف	عنوان	تعداد
۱	<i>The structure of scientific revolutions</i>	۱۰
۲	<i>Social research methods: Qualitative and quantitative approaches</i>	۸
۳	<i>Education research: An introduction</i>	۶
۴	<i>Naturalist inquiry</i>	۶
۵	<i>Qualitative evaluation and research methods</i>	۶
۶	<i>The logic of scientific discovery</i>	۵
۷	<i>Images of organization</i>	۴
۸	<i>Research design: Qualitative and quantitative approaches</i>	۴
۹	<i>Research methods in education</i>	۴

سؤال هشتم: پرستنادترین مجلات کدام‌اند؟

بر اساس جدول ۶، در میان نشریات فارسی، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی (فصلنامه حوزه و دانشگاه سابق) با ۳۰ استناد بیشترین استناد را به خود اختصاص داده است. همچنین فصلنامه رهیافت (۸ استناد)، فصلنامه ذهن، نامه مفید، فصلنامه نقد و نظر (۷ استناد) و فصلنامه نوآوری‌های آموزشی (۶ استناد) جزء نشریات پرستناد بوده‌اند، که در جدول ۶ به تفصیل نمایش داده شده است.

جدول ۶: پرستنادترین نشریات در مقالات مورد بررسی

ردیف	عنوان نشریه	تعداد
۱	فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی	۳۰
۲	مجله رهیافت	۸
۳	فصلنامه ذهن	۷
۴	فصلنامه نقد و نظر	۷
۵	نامه مفید	۷
۶	فصلنامه نوآوری‌های آموزشی	۶

بر اساس جدول ۷، در میان نشریات انگلیسی نیز مجله *Philosophy of science* با ۱۳ استناد بیشترین استناد را در بین نشریات لاتین داشته است، دیگر نشریات به تفصیل در جدول ۷ نمایش داده شده است.

جدول ۷. پراستنادترین نشریات لاتین در مقالات مورد بررسی

ردیف	عنوان نشریه	تعداد
۱	<i>Philosophy of science</i>	۱۳
۲	<i>Administrative Science Quarterly</i>	۱۱
۳	<i>Organization Studies</i>	۱۱
۴	<i>The Qualitative Report</i>	۹
۵	<i>Academy of management review</i>	۸
۶	<i>Philosophy of Social Science</i>	۸
۷	<i>British Journal for Philosophy of Science</i>	۷
۸	<i>Qualitative Health Research</i>	۷
۹	<i>Review of General Psychology</i>	۷

سؤال نهم: نیم عمر منابع اطلاعاتی چقدر است؟

به منظور محاسبه میانگین نیم عمر منابع اطلاعاتی، از تاریخ نشر و الگوی کومار استفاده شد. بدین منظور تمام سال‌های نشر منابع اطلاعاتی را اعم از قمری و میلادی به شمسی تبدیل و مرتب شد، سپس اقدام به تعیین میانگین نیم عمر منابع اطلاعاتی به تفکیک زبان و سپس تفکیک کتاب‌ها و مجلات شد. نتایج نشان داد که میانگین نیم عمر منابع اطلاعاتی فارسی مورد استناد در این فصلنامه، ۹ سال و ۶ ماه است. میانگین نیم عمر کتاب‌ها و مجلات فارسی به ترتیب ۱۰ سال و ۳ ماه، و ۸ سال و ۱۰ ماه است. میانگین نیم عمر منابع اطلاعاتی لاتین مورد استناد در این فصلنامه نیز ۱۶ سال و ۱۱ ماه است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل استنادی، مقاله‌های منتشر شده در شماره‌های ۴۷ تا ۶۶ فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داد که در ۱۳۵ مقاله چاپ شده از ۳۱۰۴ استناد استفاده شده است. میانگین استناد برای هر مقاله ۲۲/۹۹ و هر شماره ۱۶۳/۴ استناد است، که میانگین متوسطی است و نشان می‌دهد نویسندگان مقالات به اهمیت استناد بخوبی آگاهی داشته و مقالات خود را با توجه به متون علمی مدون‌پیشین تدوین کرده‌اند. میانگین استناد در برخی از پژوهش‌هایی که بیشتر صورت گرفته، کمتر از میزان مزبور است (تیمورخانی، ۱۳۸۱؛ کیانمهر، ۱۳۸۶؛ دادگر و دیگران ۱۳۸۸، همایی و محمدی‌استانی، ۱۳۹۰).

شماره ۴۷ با ۸۹ استناد، کمترین و شماره‌های ۶۴-۶۵ و ۶۲ با ۲۲۳ استناد، بیشترین استناد را دارا بودند. نتایج نشان می‌دهد که نویسندگان مقالات تمایل کمتری به کار گروهی داشته‌اند و تنها ۲۸/۱۵ درصد مقالات حاصل کار گروهی بوده است و از لحاظ جنسیت نیز ۹۴/۷ درصد نویسندگان مقالات را نویسندگان مرد تشکیل می‌دهند که با پژوهش دادگر و دیگران (۱۳۸۸) همخوانی دارد. مشارکت کمتر نویسندگان زن در تألیف مقالات نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد.

بررسی انواع منابع اطلاعاتی نشان می‌دهد که کتاب‌ها با ۱۸۷۷ استناد (۶۰/۵ درصد) بالاترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند، انتظار می‌رفت با توجه به اینکه مجلات حاوی تازه‌ترین مقالات علمی و تحقیقی هستند و اهمیت بسیاری برای پژوهشگران دارند، میانگین استناد به مجلات بیشتر از کتاب‌ها باشد، که نتایج تحقیق این موضوع را تایید نمی‌کند. شاید عدم دسترسی نویسندگان مقالات به مجلات روزآمد و رایگان، عدم آگاهی آنان از وجود نشریه‌های مرتبط به موضوعات تألیفی و عدم تعلق خاطر آنان در جستجوی مقالات مورد علاقه از طریق اینترنت و ... دلیل گرایش بیشتر محققان به کتاب است. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده، نیز کتاب‌ها بیشترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند (تیمورخانی، ۱۳۸۱؛ کیانمهر، ۱۳۸۶؛ جوکار و دیگران، ۱۳۸۷؛ دادگر و دیگران، ۱۳۸۸؛ همایی و محمدی‌استانی، ۱۳۹۰).

از لحاظ زبان، منابع انگلیسی با ۱۷۶۶ استناد (۵۶/۹ درصد) بیشترین استنادها را در بر دارد که بیانگر میزان بالای آشنایی نویسندگان مقالات با زبان انگلیسی و اتکای آنها

به منابع انگلیسی است. از دلایل دیگر بالا بودن استناد به منابع انگلیسی، شاید کمبود منابع فارسی در زمینه روش‌شناسی و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی است. این مؤلفه با پژوهش‌های تیمورخانی (۱۳۸۱)، جوکار و دیگران (۱۳۸۷) در یک راستا قلمداد می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که نسبت قابل توجهی از مقالات (۹۸ درصد) از خوداستنادی برخوردارند و بررسی شماره‌های مختلف مجله نشان می‌دهد که خوداستنادی در شماره‌های مختلف مجله از روند متفاوتی برخوردار است، به نحوی که شماره ۴۹ با ۱۸ مورد، بیشترین و شماره ۴۸ با ۱ مورد کمترین خوداستنادی را دارا هستند. خوداستنادی، ارجاع یک نویسنده به یکی از آثار قبلی خود در یک مدرک جدید است. خوداستنادی زمانی به وجود می‌آید که مقاله‌های استنادکننده و استنادشونده، دست کم یک نویسنده مشترک داشته باشند (مردانی و نیک‌کار، ۱۳۸۸). برخی منتقدان، خوداستنادی‌های مکرر یک نویسنده را در جهت معتبر جلوه ساختن نویسنده یا مهارت یا تجربه شخصی آن نویسنده به شمار می‌آورند و آن را خودتمجیدی می‌پندارند.

یافته‌های پژوهش در رابطه با پراستنادترین نویسندگان و مترجمان نشان می‌دهد که علی‌پایا با ۲۲ استناد، مرتضی مطهری با ۱۹ استناد و کارل ریموند پوپر با ۱۸ استناد در صدر پراستنادترین نویسندگان و در بین مترجمان، عبدالکریم سروش با ۲۵ استناد، محمد اعرابی با ۱۳ استناد و محسن ثلاثی با ۱۲ استناد، پراستنادترین مترجمان هستند. در بین بیشترین منابع فارسی استناد شده، به ترتیب کتاب‌های تبیین در علوم اجتماعی با ۱۳ استناد، چپستی علم با ۹ استناد، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی با ۸ استناد و در منابع لاتین هم کتاب *The Structure of scientific revolutions* با ۱۰ استناد، بالاترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند.

در بحث پراستنادترین مجله، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی (فصلنامه حوزه و دانشگاه سابق) با ۳۰ استناد، فصلنامه رهیافت با ۸ استناد، فصلنامه ذهن، نامه مفید، نقد و نظر با ۷ استناد جزء نشریات پراستناد بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی به خوبی توانسته است، گام مهمی در راستای هدف نهایی خود که گسترش مباحث روش‌شناختی در علوم انسانی و اجتماعی در جامعه است

بردارد و به خوبی توانسته است مورد توجه اساتید و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش در رابطه با نیم عمر منابع نشان داد که نیم عمر منابع فارسی ۹ سال و ۶ ماه و منابع لاتین ۱۶ سال و ۱۱ ماه است. این نتایج حاکی از آن است که منابع انگلیسی زبان از روزآمدتری کمتر و در عین حال قوام بیشتری برخوردار بوده‌اند. دریافت منابع انگلیسی روزآمد نیازمند صرف هزینه است و شاید یکی از دلایل بالا بودن نیم عمر منابع انگلیسی همین امر باشد. بنابراین، مسئولان امر باید در این زمینه نسبت به تهیه و خرید از بانک‌های اطلاعاتی روزآمد اقدام کنند تا محققان و پژوهشگران بتوانند با روزآمدترین مباحث و مسائل حوزه مربوطه آشنایی داشته باشند و بتوانند بهره کافی را از آنها ببرند.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود محققان در بیان منابع و مآخذ نوشتاری توجه و دقت کافی داشته باشند و از استاندارد و قوانین ذکر اطلاعات کتابشناختی یکسانی استفاده کنند.
۲. نویسندگان مقالات به استفاده از منابع روزآمد تشویق شوند.
۳. محققان حوزه روش‌شناسی، استفاده از منابع اطلاعاتی غیرکتابی و ردیف اول و نیز نشریات ادواری را به دلیل جدیدتر بودن، بیشتر مدنظر قرار دهند.
۴. کتابداران و دست‌اندرکاران در مجموعه‌سازی کتابخانه‌ها، در راستای تهیه متون و منابع انگلیسی زبان روزآمد توجه بیشتری داشته باشند و در معرفی مقاله‌ها و تهیه انواع راهنماهای کتاب‌شناختی به صورت‌های مختلف، گام‌های اساسی بردارند.
۵. درخواست از کتابخانه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، برای تهیه کتاب‌های انگلیسی زبان و نیز مجلاتی که بیشترین استنادها را به خود اختصاص دادند. این امر می‌تواند در مجموعه‌سازی کتابخانه موثر باشد.
۶. تحلیل استنادی مقاله‌های منتشر شده در *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی* در دوره‌های زمانی مشخص به طور متوالی، به منظور مقایسه و نتیجه‌گیری هر چه بهتر انجام گیرد.

منابع

- تیمورخانی، افسانه (۱۳۸۱)، «تحلیل استنادی مقالات تالیفی فصلنامه کتاب»، فصلنامه کتاب، ۱۳ (۳)، ص ۳۲-۴۵.
- جوکار، عبدالرسول؛ منصوری، علی؛ پشوتی زاده، میترا؛ شکری، مرصع (۱۳۸۷)، «بررسی استنادی مقالات تالیفی مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز ۱۳۸۰-۱۳۸۵»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۱ (۱)، ص ۳۹-۶۲.
- چاوشی نجف‌آبادی، زهرا؛ شعبانی، احمد (۱۳۸۸)، «بررسی مفاهیم، تعاریف و کارکردهای تحلیل استنادی در حوزه علم سنجی»، فصلنامه دانش‌شناسی، ۲ (۴)، ص ۱۵-۲۴.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین (۱۳۸۱)، دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. ویراست ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
- سلطانی، شیفته (۱۳۷۷)، «آشنایی با مجلات کتابداری ایران»، فصلنامه کتاب، ۹ (۱۱)، ص ۶۵-۸۷.
- عابدی جعفری، حسن، ایوبی اردکان، محمد؛ آقازاده دده، فتاح؛ دلبری راغب، فاطمه (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی ترسیم نقشه‌های علم: مطالعه موردی ترسیم نقشه علم مدیریت دولتی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۷ (۶۶)، ص ۵۳-۶۹.
- عبدالمجید، امیرحسین (۱۳۸۶)، «تحلیل استنادی: تعاریف و کاربردها»، فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۲۲ (۳)، ص ۷۳-۸۸.
- عصاره، فریده (۱۳۷۶)، «بررسی مختصر کتاب‌سنجی»، فصلنامه کتاب، ۸ (۴)، ص ۹۰-۹۷.
- کومار، کریشان (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه فاطمه رهادوست با همکاری فریبرز خسروی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- کیانمهر، احترام (۱۳۸۶)، «تحلیل استنادی مقاله‌های منتشر شده در مجله‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی (۱۳۸۲-۱۳۷۵)»، فصلنامه کتاب، ۱۸ (۲)، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- کینن، استیلا (۱۳۷۸)، فرهنگ فشرده علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ترجمه فاطمه اسدی گرگانی، تهران: نشر کتابدار.
- متقی دادگر، امیر؛ کریمی، رضا؛ عموقین عبادالله، جعفر (۱۳۸۸)، «تحلیل استنادی مقالات ۳۰ شماره از فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی منتشره بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۷»،

پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۴۱، ص ۲۸۷ - ۲۱۴.
 مردانی، امیرحسین؛ نیک‌کار، ملیحه (۱۳۸۸)، «بررسی خوداستنادی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در مجله‌های نامه علوم اجتماعی و پژوهش‌های جغرافیایی طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶»، پیام کتابخانه، (۱۵) ۳، ص ۱۴۹-۱۶۷
 همایی، بهروز؛ محمدی استانی، مرتضی (۱۳۹۰)، «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه پژوهش و حوزه»، پژوهش و حوزه، در دست چاپ.

- Kushkowsky, Jeffrey D.; Parsons, Kathy A. & Wiese, William H. (2003), "Master's and doctoral thesis citations: Analysis and trends of a longitudinal study". *Libraries and Academy*, 3(3), P. 459-479.
- Samuels, Janet A.; Steinberg, Foul John (2002), "The journal of information systems: A review of the first 15 years" *Journal of Information Systems*, 16(2), P. 97-116.
- Sandison, A. (1989), "Documentation note: Thinking about citation analysis" *Journal of documentation*, 45 (1), P. 59-64
- Ziman, J. M. (1968), *Public Knowledge: an essay concerning social of science*, Cambridge: Cambridge University Press.